



فقر: ماهیت، ریشه ها و آنچه کم گفته می‌شود

علی پورنقوی



فقر یکی از کهنترین و پیچیده ترین چالشهای بشری است که تعریف آن در گذر زمان دگرگون شده است. در آغاز قرن بیستم، بنجامین راونتری فقر را صرفاً به عنوان ناتوانی در تأمین حداقل نیازهای جسمانی - غذا، سرپناه، پوشاک - تعریف می‌کرد و «خط فقر» را بر اساس هزینه های معیشتی یک خانواده شش نفره در شهر یورک بریتانیا اندازه می گرفت. این رویکرد مبتنی بر درآمد برای دهه ها مبنای سیاستگذاری بود، اما اقتصاددانان به تدریج دریافتند که درآمد تنها یکی از ابعاد فقر است. امروزه تعریف فقر به مراتب گسترده تر شده است: سازمان ملل آن را نقض کرامت انسانی می‌داند، بانک جهانی محرومیت آشکار در رفاه. آمارتیا سن با مفهوم «توانمندی» این ایده را به سطح نظری ارتقا داد. در نگاه او فقر، محرومیت از آزادیهای بنیادینی است که انسان برای داشتن زندگی شایسته به آنها نیاز دارد.

این گسترش مفهومی بی تردید گامی است رو به پیش. کانبور و اسکوایر نشان داده اند که وقتی ابعادی چون سلامت، آموزش، آسیب پذیری در برابر ریسک و نداشتن صدایی سیاسی به تعریف فقر افزوده شوند، راهبردهای کاهش آن نیز ناگزیر جامعتر می‌شوند. ارزیابیهایی که مستقیماً از زبان فقرا انجام شده اند حاوی این نتیجه اند که فقر برای تهیدستان نه تنها «نداشتن» است، بلکه احساس ناتوانی، انزوا و «بیسدایی» است - وضعیتی که در آن نه حکومت و نه بازار صدایی را نمی‌شنوند.

با این همه، باید با چشمی انتقادی به این ادبیات نگریست. این متون، که عمدتاً در چارچوب اقتصاد توسعه جریان اصلی نوشته شده اند، یک پرسش اساسی را کنار می‌گذارند یا حداقل به آن کم توجه اند: فقر محصول چه نوع رابطه ای میان گروه های اجتماعی است؟ بهاتچاریا در تحلیل تاریخی خود نشان می‌دهد که اروپای غربی از جغرافیای مساعد، مازاد غذایی و نهادهای سازگار با سرمایه داری بهره برد، در حالی که آفریقا در دام بیماریهای گرمسیری و بهره وری پایین کشاورزی گرفتار ماند. این تحلیل از نظر تاریخی محکم است، اما یک وجه را کمرنگ می‌کند: این که تجارت برده آتلانتیک برای سیصد سال جمعیت فعال آفریقا را تحلیل برد، نهادهای داخلی این قاره را در خدمت صید و فروش انسان سازماندهی کرد، و سرمایه ای که از این طریق انباشته شد، بخش قابل توجهی از سرمایه اولیه انقلاب صنعتی بریتانیا را تأمین کرد. اریک ویلیامز در کتاب سرمایه داری و بردگی این پیوند را با شواهد تاریخی مستدل کرده است. این به معنای نادیده گرفتن



عوامل جغرافیایی و نهادی نیست؛ بلکه به معنای این است که عوامل ساختاری مرتبط با استثمار نیروی کار و انتقال ثروت باید در کنار آنها تحلیل شوند.

این نکته را باید به درون کشورهای فقیر نیز تسری داد. فریندا و مینگ تینگ فساد را یکی از علل اصلی فقر معرفی می‌کنند، و شواهد تجربی نیز این را تأیید می‌کند. اما فساد خود نیازمند توضیح است. در جوامعی که نابرابری درآمدی و ثروت بسیار شدید است، گروه‌هایی که سهم نامتناسبی از ثروت را در اختیار دارند - خواه نخبگان زمیندار روسیه که بهاتچاریا از آنان یاد می‌کند، خواه سرمایه‌داران بزرگ آمریکای لاتین - هم انگیزه و هم ابزار مالی لازم را برای تأثیرگذاری بر قانون، فرآیند اجرا و دستگاه قضایی در اختیار دارند. فریندا و مینگ تینگ می‌نویسند: "ثروتمندان از لابیگری قانونی تا رشوه از همه کانال‌های ممکن برای حفظ موقعیت خود بهره می‌برند. اما این مشاهده اگر در یک چارچوب طبقاتی قرار نگیرد، صرفاً توصیف رفتار افراد است نه تحلیل ساختار. آنچه این نویسندگان کمتر می‌گویند این است که نابرابری افراطی، قبل از آن که فساد را ممکن سازد، بازتوزیع را از مجاری دموکراتیک نیز دشوار می‌کند. در کشوری، در آمریکای لاتین، که یکدهم ثروتمند جمعیت چهل درصد درآمد ملی را دارد، حتی انتخابات آزاد هم لزوماً به سیاست‌های بازتوزیعی نمی‌انجامد، زیرا قدرت اقتصادی به قدرت رسانه‌ای و سازمانی ترجمه می‌شود.

نکته دیگری که در این متون کمتر به آن پرداخته می‌شود، ماهیت خود بازار کار است. کانپور و اسکواپر به درستی نشان می‌دهند که فقرا اغلب تنها دارایی شان نیروی کار است، و سلامت و آموزش ضعیف توان بهره‌برداری از همین دارایی اندک را هم محدود می‌کند. اما این تحلیل در لحظه‌ای متوقف می‌شود که باید جلوتر برود: بازار کار محلی است که در آن قدرت چانه‌زنی به طور ساختاری نابرابر توزیع شده است. کارگری که گزینه‌ای جز پذیرش شرایط موجود ندارد - چه به دلیل نبود اتحادیه، چه به دلیل مازاد نیروی کار در بازار، و چه به دلیل نبود بیمه بیکاری - در موقعیتی قرار دارد که دستمزدش الزاماً برابر با ارزشی که تولید می‌کند، نیست. این نابرابری در قدرت چانه‌زنی، که اقتصاددانان نهادگرا و چپگرا بر آن تأکید می‌کنند، در مدل‌های رشد رایج بانک جهانی به ندرت به عنوان متغیر مستقل ظاهر می‌شود.

آنچه گفته شد، به این معنا نیست که سیاست‌های پیشنهادی این پژوهشگران بی اثر یا نادرست اند. سرمایه‌گذاری در آموزش، مبارزه با فساد از طریق شفاف‌سازی بودجه، شبکه‌های ایمنی اجتماعی و برنامه‌های اعتبار خرد همه ابزارهای مفیدی اند که شواهد تجربی اثربخشی آنها را تأیید می‌کنند. تجربه شرق آسیا هم نشان داد که رشد اقتصادی همراه با توزیع نسبتاً عادلانه می‌تواند فقر را به میزان چشمگیری کاهش دهد. اما این سیاست‌ها تنها زمانی به طور پایدار مؤثر اند که در بستری قرار گیرند که در آن توزیع قدرت - در بازار کار، در فرآیند سیاسی، در دسترسی به سرمایه - مورد توجه قرار گیرد. ادبیاتی که فقر را صرفاً به عنوان «کمبود» تعریف می‌کند و به دنبال پُر کردن آن کمبود است، بدون آن که بپرسد این کمبود چگونه و در جریان چه روابطی تولید و بازتولید می‌شود، در معرض این خطر است که به جای بیماری با عارضه مبارزه کند.



همه با هم برای پایان دادن به جنگ و برقراری صلح و آزادی متحدانه مبارزه کنیم!

متحد و متشکل علیه بیکاری و فقر مبارزه باید کرد!

توسعه با شکم های گرسنه و مردم ناراضی و معترض ممکن نیست

صادق کار



احمد میدری روز گذشته هنگام ملاقات با تعدادی از کارگران با اشاره به نقش کارگران در شرایط دشوار کشور گفت:

"کارگران ایستادگی کردند تا بتوانیم رونق اقتصادی را به جریان بیاوریم. توسعه بلندمدت کشور با تلاش کارگران تضمین می‌شود. با این ایستادگی‌ها به زودی طعم پیروزی دائم را خواهیم چشید"

یک روز قبل از این اظهارات خبرگزاری ایلنا در گزارشی که به نقل از کارگران منتشر کرد از کاهش ۵۰ درصدی دستمزد کارگران خبر داد و از قول کارگران یک شرکت قطعه سازی در شهرک صنعتی اسماعیل آبادنوشت:

"با حذف اضافه کار و اصرار کارفرما بر پرداخت دستمزد مطابق با قانون کار سال قبل، دریافتی ما به حدود ۱۸ میلیون تومان سقوط کرده است. این یعنی حقوق ما نسبت به آنچه سال گذشته دریافت می‌کردیم، عملاً نصف شده است. در شرایطی که هزینه‌های زندگی و تورم ثانیه‌ای حرکت می‌کند، چگونه می‌توان از کارگری که تمام زندگی‌اش را برای ساختن این کشور و این کارخانه گذاشته، انتظار داشت با نیمی از درآمد سابق، چرخ زندگی خانواده‌اش را بچرخاند؟"

این وضعیت در این روزها به هیچ روی یک مورد استثنایی نیست قاعده است. می‌گویید نه، بروید سری به درون برخی خبرگزاریها مانند ایلنا بزنید تا همه چیز دست تان بیاید.

با اطمینان زیاد باید گفت آن گروه از کارگران که به دیدار وزیر کار رفته بودند و دست خالی از حضور آقا برگشتند، برای مطالباتی مشابه کارگران کارخانه قطعه سازی رفته بودند و قطعاً انتظار چنین برخوردی از سوی وزیر کار را نداشتند.

وزرای کار هرگز در ایران بی طرف نبوده‌اند. آنها همگی از هر دسته و جناحی که بوده‌اند، جانبدار کارفرما و سرمایه دار بوده‌اند، اگر نبودند محال بود بگذارند پایشان به وزارتخانه کار برسد.



میدری با وجود اینکه شورای عالی کار در پایان سال گذشته با افزایش ۶۰ درصد به حداقل دستمزد موافقت و آن را تصویب کرده بود، افزایش دستمزد را با بیش از یک ماه تاخیر و بعد از آن ابلاغ کرد که دستمزد فروردین پرداخت شده بود و اثرات آن بخاطر تورم و سقوط آزاد ارزش ریال در هنگام ابلاغ خنثی شده بود. خود وزیر نیز این را بهتر از دیگران می دانست. بعد از یکماه هم که آن را ابلاغ نمود کارفرمایان بخش خصوصی نه تنها از اجرای آن امتناع کردند، بلکه مزایای جنبی مزد را نیز قطع کردند. سه میلیون حق مسکن را که در اسفند تصویب شده بودند را نیز ندادند و بعدا گفتند فقط برای دوماه آخر سال آن را پرداخت می کنند، اما آنرا هنوز ندادند و ظاهرا قصد دادنش را ندارند.

در کنار اینها شروع به ندادن منظم دستمزدها، فرستادن کارگران به مرخصی بدون حقوق، قطع اضافه کاری ها، یک ماهه کردن قرار دادها، رد نکردن حق بیمه کارگران نموده و حتی گفته می شود قصد افزایش سهم بیمه کارگران را دارند. همه ی این اقدامات غیر قانونی که با استفاده از فضای جنگی و امنیتی انجام می گیرد و با سکوت و تأیید آمیز وزیر کار با آن برخورد می شود، تمرینی است برای رسمی کردن و جا انداختن کاهش دستمزدها و مزایا و از بین بردن حقوقی که طبقه کارگر طی دهها سال در اثر مبارزه و پرداخت هزینه سنگین بدست آورده است. اینها را اگر موفق شوند از طبقه کارگر بگیرند پس گرفتن شان به راحتی میسر نیست. بهمین دلیل باید در مقابل این تعرض تا سر حد ممکن مقاومت کرد. تصورش را بکنیم وقتی دستمزدهای کنونی جوابگویی هزینه های حداقلی زندگی نیست، اگر آنرا کمتر کنند، چه بر سر نیرو کار خواهند آورد، یعنی چاره‌ای غیر از مقاومت نیست. امکان و ظرفیت مقاومت هم وجود دارد، ولی باید با استفاده از تجربیات و دانش جدید سازماندهی آنرا سازمان داد.

نقش وزیر کار هنوز در این قضایا کاملا روشن نیست، اما واقعیت این است که سازمانهای کارفرمایی آنقدر در حکومت نفوذ دارند که قادر هستند تمام قوانین را بدون کوچکترین مانع و مزاحمتی کنار بگذارند و قوانین خشن خود را بجای آن اعمال کنند

.وزیر کار که قانونا نقش نظارت بر صحت اجرای قانون کار را دارد، از وظیفه خود به نفع امیال کارفرمایان طفره می رود و عملا نقش کارگزار کارفرمایان را پیدا کرده است.

دولت مدعی اصلاح طلبی نیز در عمل نشان داده است که مطیع و فرمانبردار اتاق بازرگانی است و قوانین کار، تامین اجتماعی و حذف یارانه کالاهای اساسی و آزاد سازی قیمتها را که سفره‌های حقوق بگیران را از طعام تهی نموده با هدایت سازمانهای کارفرمایی پیش می برد.

دولت فریبکارانه تنها چند ماه پیش ادعا می کرد با حذف ارز ترجیحی مختص کالاهای اساسی گویا قیمت کالاها فرو می ریزد و سفره ها پر می شود، اما حتی قبل از جنگ قیمت کالاهایی که ارز آنها قطع شد به سرعت افزایش پیدا کرد و حالا تا سه برابر رشد کرده اند. سفره های پولدارها و تجار و دلالتها با حذف یارانه ارزی، به قیمت خالی شدن سفره های اکثریت مردم پرتو و چربتر شد.

هر ابلهی می فهمد اگر دولتی همه روزه قیمت کالاهای اساسی را بالا ببرد و همزمان در شرایط حاد تورمی که نرخ رسمی تورم نقطه‌ای به ۷۳ و نیم درصد و تورم نقطه‌ای مواد خوراکی به ۱۱۵ درصد، رسیده است کاهش دستمزدها کشور را بسوی شورش می برد. توسعه باشد پیشکش



وضعیت معیشتی و اقتصادی همراه با تشدید سرکوب و اعدام، موقعیت انفجاری را در کشور فراهم آورده، اگر تا کنون انفجار رخ نداده، به ملاحظه جنگ است و نه افزایش تحمل و رضایت مردم. جنگ نه تنها بهبودی در معیشت و نارضایتی مردم و کاهش فشارها بوجود نیاورد بل که همه ی آنها را تشدید و غیر قابل تحملتر کرد. اصرار بر تداوم جنگ نیز قطعا بحران های موجود را شدیدتر و امکان توسعه را از بین می برد. توسعه با شکم های خالی و مردم ناراضی و معترض که وزیر کار می خواهد با گرسنگی دادن به مردم آن را عملی نماید ناممکن است و اساسا کار یک رژیم فاسد و ناکارآمد و سرکوبگر نیست، بلکه وسیله تشدید استثمار طبقه کارگر و سرپوش نهادن بر ناکارآمدی حکومتی است که ۴۷ سال است به مردم وعده های دروغ داده است، اما، سال به سال مردم را فقیرتر و درمانده تر و شکاف طبقاتی و بی عدالتی را عمیقتر کرده است. اگر حکومتی قادر به توسعه بود ۴۷ سال برای این کار فرصت داشت

**چاره کارگران وحدت و متشکل شدن در تشکلهای مستقل است!**

**کمیته های همیاری را در محل های کار و محلات تشکیل دهیم!**

اول ماه مه؛ از ضرورت انقلاب تا مسئولیت ساختن آینده

پوریا نایب



اول ماه مه، روز جهانی کارگر، را به همه کارگران، زحمتکشان، و مزدبگیران به ویژه آنان که در سخت ترین شرایط معیشتی و اجتماعی به حیات و مبارزه ادامه می دهند صمیمانه تبریک می گویم. این روز، روز همبستگی، ایستادگی، و یادآوری کرامت انسانی کسانی است که با نیروی کار خود چرخ های جامعه را به حرکت درمی آورند، اما خود از ابتدایی ترین حقوق محروم مانده اند.

اول ماه مه، تنها یادآور مبارزه برای نان و معیشت نیست؛ روزی است برای بازاندیشی در مسیر رهایی. در شرایطی که کارگران و زحمتکشان ایران زیر فشار همزمان استبداد، فقر، بیکاری، و تبعیض های ساختاری قرار دارند، دیگر نمی توان از تغییرات سطحی یا اصلاحات محدود سخن گفت. واقعیت عربان این است: بدون یک دگرگونی بنیادین، آینده ای روشن که هیچ در حد نیمه روشن نیز برای اکثریت جامعه متصور نیست.



این دگرگونی بنیادین را می‌توان با صراحت انقلاب نامید. اما انقلابی که از آن سخن می‌گوییم، نه یک انفجار کور، نه یک خشم بی‌جهت، و نه صرفاً لحظه‌ی سرنگونی. انقلاب، اگر قرار است رهایی‌بخش باشد، باید پروژه‌ای آگاهانه، برنامه‌مند و ساختارمند برای ساختن نظامی نوین باشد.

تجربه‌های تاریخی به ما آموخته‌اند که سرنگونی یک نظام، به‌خودی‌خود تضمین‌کننده آزادی و عدالت نیست. چه بسیار انقلاب‌هایی که به دلیل فقدان چشم‌انداز روشن برای دوران پس از پیروزی، یا به دلیل تمرکز قدرت در دست گروهی محدود، به بازتولید اشکال تازه‌ای از استبداد انجامیده‌اند. بنابراین، مسئله فقط «پایان دادن» نیست؛ مسئله «آغاز کردن» است، آغاز نظامی که در آن انسان، نه ابزار، بلکه هدف است.

از نگاه نگارنده، انقلابی که به آن می‌اندیشیم باید چند ویژگی اساسی داشته باشد:

نخست، دموکراتیک بودن آن است. یعنی قدرت سیاسی نه در انحصار یک حزب، یک طبقه، یا یک ایدئولوژی، بلکه در دست مردم و از طریق نهادهای انتخابی، پاسخگو و شفاف باشد. آزادی بیان، تشکل، اعتصاب، و مشارکت سیاسی، نه امتیاز، بلکه حقوق بنیادین‌اند.

دوم، پیوند آزادی و عدالت اجتماعی است. بدون عدالت، آزادی به امتیاز اقلیتی ثروتمند تبدیل می‌شود؛ و بدون آزادی، عدالت به اجبار و سرکوب می‌انجامد. انقلاب باید هر دو را هم‌زمان پیش ببرد؛ پایان دادن به استثمار اقتصادی، و تضمین حقوق و کرامت انسانی.

سوم، و شاید مهم‌تر از همه، برنامه برای دوران پس‌انقلاب است. انقلابی که نداند پس از فروپاشی نظم کهنه چه می‌خواهد بسازد، دیر یا زود یا به هرج‌ومرج فرو می‌غلطد یا راه را برای اقتدارگرایی جدید باز می‌کند.

این برنامه نمی‌تواند شعاری و کلی باشد. باید شامل محورهای روشن و عملی باشد، از جمله:

بازسازی فوری اقتصاد با اولویت معیشت مردم، ایجاد اشتغال پایدار، و مهار تورم؛  
تضمین حقوق کار از طریق قراردادهای عادلانه، بیمه همگانی، و تقویت تشکل‌های مستقل کارگری؛  
برابری کامل حقوقی و اجتماعی زنان و مردان، و حذف همه اشکال تبعیض جنسیتی؛  
ایجاد نظام رفاه اجتماعی فراگیر شامل آموزش و بهداشت رایگان و باکیفیت؛  
گذار به اقتصادی که در آن منافع عمومی بر سودجویی بی‌مهار ارجحیت داشته باشد؛  
و در نهایت، استقرار حاکمیتی مبتنی بر قانون، تفکیک قوا و نظارت دموکراتیک.

انقلاب، در این معنا، یک «لحظه» نیست؛ یک فرآیند است. فرآیندی که از آگاهی آغاز می‌شود، با سازمان‌یابی گسترش می‌یابد، در کنش جمعی به اوج می‌رسد و در ساختن نهادهای نوین تداوم پیدا می‌کند.

امروز، در آستانه اول ماه مه، وظیفه ما تنها اعتراض به وضع موجود نیست؛ بلکه اندیشیدن به بدیلی است که می‌خواهیم جایگزین آن کنیم. کارگران، زنان، معلمان، پرستاران، و همه نیروهای زحمتکش جامعه، نه فقط نیروی تغییر، بلکه معماران آینده‌اند.



اگر انقلاب را تنها به سرنگونی تقلیل دهیم، ممکن است پیروز شویم اما آینده را ببازیم. اما اگر انقلاب را به مثابه پروژه‌ای آگاهانه برای ساختن جامعه‌ای آزاد، برابر و انسانی ببینیم، آن‌گاه حتی پیش از پیروزی نیز در مسیر رهایی گام برداشته‌ایم.

اول ماه مه، امسال، می‌تواند نه فقط روز اعتراض، بلکه روز تعهد باشد: تعهد به انقلابی که می‌داند چه نمی‌خواهد و مهم‌تر از آن، می‌داند چه می‌خواهد بسازد.

آینده، نه در انتظار ما، بلکه در دستان ماست. و این بار، باید آن را آگاهانه، دموکراتیک، و انسانی بسازیم.

## گرامی باد اول ماه مه روزاتحاد وهمبستگی کارگران جهان

### برقرار باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی!

## تاوان جنگ و تحریم‌های اقتصادی را مردم می‌پردازند، ما مخالف جنگ و تحریم‌های اقتصادی فقرآور هستیم!

روز جهانی کارگر در برابر جنگ

بهر روز فدایی



اول ماه می، روز جهانی کارگر، ریشه در مبارزات کارگری اواخر قرن نوزدهم، به ویژه اعتصابات هی‌مارکت در ایالات متحده دارد. از آن زمان، این روز به نمادی جهانی برای مطالبات کارگران، عدالت اجتماعی و حقوق صنفی تبدیل شده است. اما در طول تاریخ، هم‌زمانی این روز با جنگ‌ها و بحران‌های بزرگ جهانی، شکل و معنای آن را در بسیاری از کشورها تحت تأثیر قرار داده است. در بسیاری از نقاط جهان، کارگران با وجود سرکوب، زندان، شکنجه و حتی اعدام، روز اول ماه می را به بستری برای مقاومت و فریاد صلح تبدیل کردند



## تأثیر جنگ‌ها بر مراسم اول ماه می

در دوره‌هایی مانند جنگ جهانی اول و جنگ جهانی دوم، بسیاری از تجمعات کارگری محدود، ممنوع یا به شدت کنترل شدند. دولت‌ها برای حفظ انسجام ملی و جلوگیری از اعتراضات داخلی، فعالیت‌های کارگری را سرکوب یا به سمت حمایت از جنگ هدایت کردند. در این شرایط

محدودیت‌ها و سرکوب‌ها: راهپیمایی‌ها لغو یا به شکل نمادین برگزار می‌شدند.

تغییر پیام: به جای مطالبات کارگری، شعارهای میهن‌پرستانه و حمایت از جبهه‌ها غالب می‌شد.

### پیامدهای منفی

تضعیف جنبش‌های کارگری: جنگ‌ها باعث شدند اولویت‌ها از حقوق کارگران به بقا و امنیت ملی تغییر کند.

سرکوب سیاسی: در برخی کشورها، حکومت‌ها از شرایط جنگی برای سرکوب اتحادیه‌ها استفاده کردند.

تلفات انسانی: بسیاری از فعالان کارگری به جبهه‌ها اعزام شدند یا جان خود را از دست دادند.

### پیامدهای مثبت

با وجود محدودیت‌ها، جنگ‌ها در برخی موارد به تقویت جایگاه کارگران نیز انجامید:

افزایش اهمیت نیروی کار: صنایع جنگی وابستگی زیادی به کارگران پیدا کردند، که در برخی کشورها به بهبود شرایط کاری انجامید.

شتاب در اصلاحات اجتماعی: پس از جنگ‌ها، فشار برای ایجاد نظام‌های رفاه اجتماعی بیشتر شد.

همبستگی جهانی: اول ماه می به بستری برای بیان همبستگی بین‌المللی علیه جنگ و برای صلح تبدیل شد

### نمونه‌های تاریخی

در دوره جنگ سرد، اول ماه می به ابزاری ایدئولوژیک تبدیل شد. در کشورهای بلوک شرق، این روز با رژه‌های عظیم دولتی همراه بود

جنگ‌هایی مانند یورش نظامی آمریکا به عراق و یا حمله و کشتار ساکنان غزه توسط اسرائیل باعث شدند که در بسیاری از کشورها، مراسم اول ماه می رنگ و بوی ضد جنگ به خود بگیرد.

### پیامدها

اول ماه می همواره بازتابی از شرایط سیاسی و اجتماعی زمان خود بوده است. هم‌زمانی آن با جنگ‌ها گاه موجب تضعیف و گاه موجب تحول در جنبش‌های کارگری شده است. این روز نه تنها برای مطالبه حقوق

# جنگ کارگری

گروه کار کارگری

حزب چپ ایران



Iranian Workers Analects – No:372

شماره ۳۷۲

جمعه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۵، برابر ۱ مه ۲۰۲۶

کارگران، بلکه به عنوان بستری برای بیان دیدگاه‌های گسترده‌تر درباره صلح، عدالت و همبستگی جهانی نیز اهمیت یافته است

مراسم اول ماه می طی جنگ ایران و عراق

در ایران، پس از انقلاب ۱۳۵۷ ایران، ساختارهای کارگری دستخوش تغییرات اساسی شدند. با آغاز جنگ و شروع سرکوب فعالین کارگری به شکل دولتی و فرمایشی درآمد

وضعیت مراسم اول ماه می

برگزاری مستقل مراسم روز جهانی کارگر عملاً محدود شد.

فعالیت‌های کارگری بیشتر تحت نظارت نهادهای دولتی یا انقلابی قرار گرفت.

تمرکز مراسم رسمی از مطالبات صنفی به «حمایت از جبهه» و «تولید برای جنگ» تغییر کرد.

پیامدهای منفی

کاهش استقلال تشکل‌ها: بسیاری از شوراهای کارگری مستقل یا منحل شدند یا در ساختارهای رسمی ادغام شدند

امنیتی شدن فضا: هرگونه تجمع مستقل می‌توانست با سوءظن سیاسی مواجه شود.

اولویت جنگ بر مطالبات اقتصادی: مشکلاتی مانند دستمزد، ایمنی کار و حقوق صنفی در حاشیه قرار گرفت.

پیامدهای مثبت (نسبی و محدود)

افزایش نقش کارگران در اقتصاد جنگی: صنایع حیاتی (نفت، فولاد، تولیدات نظامی) اهمیت بیشتری یافتند.

نگاهی به مراسم اول ماه می در طول جنگ در دیگر کشورها

جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸)

در میانه این جنگ، روز جهانی کارگر به عرصه‌ای برای اعتراض به جنگ و نسل‌کشی تبدیل شد. به عنوان نمونه، در سال ۱۹۱۶، کارل لیبنکشت، رهبر سوسیالیست آلمان، به دلیل سخنرانی علیه جنگ در تجمع برلین دستگیر شد. در همان سال، روزنامه نیوزلند از "دست‌انداز وحشتناک خدای جنگ بر گلوی انسانیت" نوشت و خواستار صلح شد.

# جنگ کارگری

گروه کارگرگری

حزب چپ ایران



Iranian Workers Analects – No:372

شماره ۳۷۲

جمعه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۵، برابر ۱ مه ۲۰۲۶

استرالیا (۱۹۱۵)

در میانه جنگ جهانی اول، سوسیالیست‌ها و کارگران استرالیا در یک گردهمایی بزرگ قطعنامه‌ای را با شور و اشتیاق به تصویب رساندند که طبق آن، آن‌ها کارگران کشورهای متخاصم مثل آلمان و اتریش را دشمن خود نمی‌دانستند، بلکه دشمن واقعی را سرمایه‌داران جنگ‌افروز معرفی کردند که کارگران را قربانی منافع پلید خود می‌کنند.

فرانسه (۱۹۱۹)

راه‌آهن‌داران پاریس در روز جهانی کارگر، در اعتراض به مداخله نظامی کشورشان در جنگ علیه روسیه و مجارستان، امکان اعتصاب عمومی را بررسی کردند. در جریان این اعتراضات، پلیس به طرز وحشیانه‌ای با آن‌ها برخورد کرد که منجر به مجروحیت ۳۵۰ نفر، کشته شدن یک نفر و دستگیری ۱۵ معترض شد.

جنگ داخلی اسپانیا (۱۹۳۶-۱۹۳۹)

در جریان این جنگ، مراسم روز جهانی کارگر مستقیماً هدف حملات نظامی قرار گرفت. در اول می ۱۹۳۷، در حالی که مراسم در نقاط دیگر اروپا نسبتاً آرام برگزار می‌شد، مادرید توسط نیروهای شورشی (فرانکوئیست‌ها) گلوله‌باران شد. این رویداد نشان می‌دهد که در مناطق جنگی، این روز نه تنها جشن، بلکه به محلی برای نمایش قدرت و درگیری مستقیم بدل می‌شود.

یونان (۱۹۴۴)

شاید قربانی‌ترین و در عین حال قهرمان‌ترین صحنه، در اول ماه می ۱۹۴۴، نازی‌ها در تلافی حمله پارتیزان‌ها، ۲۰۰ کمونیست و کارگر یونانی را با مسلسل اعدام کردند. گزارش‌ها حاکیست که این ۲۰۰ مرد در لحظات آخر، بی‌باکانه به سمت جوخه آتش خیره شدند و سرودهای پارتیزانی سردادند و مشت‌های گره کرده خود را بالا بردند. تا هشتاد سال بعد، کسی از وجود عکس این لحظه خبر نداشت و تنها از طریق نامه‌هایی که قربانیان در راه اعدام از کامیون به بیرون پرتاب می‌کردند، از شجاعت آن‌ها باخبر بودند.

جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵)

این جنگ تأثیر عمیقی بر مراسم اول ماه می داشت. در مناطق تحت اشغال نازی‌ها، برگزاری هرگونه مراسم مستقل کارگری ممنوع شد و در مواردی به اعدام‌های دسته‌جمعی انجامید؛ برای مثال، در اول می ۱۹۴۴، نیروهای آلمانی ۲۰۰ زندانی سیاسی یونانی را در آتن اعدام کردند. در مقابل، در اتحاد جماهیر شوروی، این روز به ابزاری برای بسیج و تبلیغات جنگی تبدیل شد. در سال ۱۹۴۲، ژوزف استالین در فرمان اول ماه می خود اعلام کرد که جنگ "بر هر جنبه از زندگی ما اثر گذاشته است" و خواستار پیروزی بر فاشیسم شد. همچنین در سال ۱۹۴۴، پارتیزان‌های بلاروس در آستانه این روز، حملات غافلگیرانه‌ای علیه آلمانی‌ها ترتیب دادند که به "اول ماه می رزمی" معروف شد.



## جنگ ویتنام (۱۹۵۵-۱۹۷۵)

در جریان این جنگ، اول ماه می در ویتنام به عرصه‌ای برای اعتراضات ضدجنگ تبدیل شد. در سال ۱۹۶۶، هزاران کارگر ویتنام جنوبی در مقابل سفارت آمریکا در سایگون، تظاهرات کرده و شعار "آمریکایی‌ها به خانه بروید" سر دادند.

## ایالت متحد آمریکا طی دوره جنگ ویتنام (۱۹۵۵-۱۹۷۵)

در جریان جنگ ویتنام، جنبش اعتراضی «قبیله می‌دی» حدود ۵۰ هزار نفر را در واشنگتن دی.سی. گرد هم آورد تا با اعتراضات گسترده، ماشین جنگی دولت را تعطیل کنند و خواهان پایان جنگ ویتنام شوند.

اول ماه می به بستری برای اعتراضات ضد جنگ تبدیل شد.

اتحادیه‌ها و جنبش‌های دانشجویی به هم پیوستند و یک صدا صلح را فریاد زدند

برخلاف دوره‌های جنگ جهانی، اینجا شکاف میان دولت و بخشی از جامعه برجسته بود.

## لهستان (دهه ۱۹۸۰)

در لهستان، اول ماه می به میدان تقابل میان حکومت و جنبش همبستگی تبدیل شد. در سال ۱۹۸۲، ده‌ها هزار نفر از اعضای همبستگی، در اعتراض به حکومت نظامی، راهپیمایی‌های جداگانه‌ای ترتیب دادند و شعار "مرگ بر حکومت نظامی" سر دادند. این اعتراضات اغلب با خشونت پلیس مواجه می‌شد.

(شوروی در دوره جنگ سرد)

اول ماه می به یکی از مهم‌ترین نمایش‌های قدرت دولتی تبدیل شد.

رژه‌های عظیم نظامی و کارگری در میدان سرخ برگزار می‌شد.

پیام اصلی: نمایش اتحاد کارگر و دولت سوسیالیستی، نه اعتراض.

## روسیه (۲۰۲۲)

پس از حمله به اوکراین، با اینکه بزرگترین اتحادیه کارگری روسیه راهپیمایی‌های خود را لغو کرد، ده‌ها تن از معترضان ضدجنگ با وجود قوانین سخت سانسور، شعار «صلح، کار، مه» سر دادند و با پلاکاردهایی به خیابان‌ها آمدند و در بازداشتگاه‌ها حاضر به عقب‌نشینی نشدند.

جمع‌بندی تطبیقی



در همه این نمونه‌ها، چند الگوی مشترک دیده می‌شود:

در زمان جنگ‌های تمام‌عیار (مثل ایران دهه ۶۰ شمسی و یا جنگ جهانی دوم):  
اول ماه می بیشتر «دولتی» و در خدمت اهداف جنگی می‌شود.

در جنگ‌های بحث‌برانگیز یا طولانی (مثل ویتنام)  
این روز به سکوی اعتراض علیه جنگ تبدیل می‌شود.

در نظام‌های ایدئولوژیک  
اول ماه می به ابزار نمایش قدرت و مشروعیت حکومت بدل می‌شود

کلام پایانی

در ایران دوران جنگ، اول ماه می از یک روز مطالبه‌محور به روزی با کارکرد «حمایت از جنگ و تولید ملی»  
تغییر یافت. این الگو با بسیاری از کشورها در شرایط جنگی مشابه است  
جایی که بقا و امنیت ملی در اولویت قرار می‌گیرد، فضای اعتراض کارگری محدود می‌شود اما در عین حال،  
اهمیت نیروی کار بیشتر از همیشه به رسمیت شناخته می‌شود، حتی اگر این به بهبود فوری حقوق آنها  
منجر نشود

**ما از مبارزات تبعیض ستیزانه زنان برای آزادی و برابری با مردان و برقراری عدالت  
حمایت و برای تحقق آن مبارزه می‌کنیم!**

وضعیت کارگران و زحمتکشان روز مزد در روز کارگر

یدی بلدی



وضعیت کارگران و زحمتکشان روز مزد در روز کارگر



قبل از تجاوز اسرائیل و آمریکا به کشورمان کارگران و زحمتکشان روز مزد با سختی و مشقت هزینه های اولیه زندگی خود و خانواده هایشان را تامین میکردند. اما اکنون پس از این تهاجم و پیامدها و نتایج ویرانگر آن روی زندگی کارگران و زحمتکشان، وضعیت آنان بمراتب وخیم تر از آغاز تهاجم است.

زحمتکشان که هیچ نقشی در آفریدن جنگ نداشته اند بزرگترین قربانیان جنگ هستند. حکومت اسلامی با توهم گسترش تشیع در منطقه و شعار نابودی اسرائیل در این سالها و برپادادن سرمایه های ملی برای پیشبرد این اهداف دست نیافتنی عامل اصلی این جنگ خانمانسوز است.

جنگی که افزون بر کشن تن هزاران هموطن به زیرساختهای کشور نیز آسیب های شدید وارد آورده که آثار آن برای سالها باقی خواهد ماند. طبقه کارگر بخصوص کارگران روز مزد بیشترین ضربه را از جنگ متحمل شده و اکثرشان از کار بیکار و از حقوق اولیه خود بکلی محروم شده اند و از حمایت های حداقل قانونی محروم هستند و عملاً امکان تهیه نیازهای اولیه زندگی خود و خانواده هایشان را ندارند.

نمونه هایی از آثار ویرانگر جنگ بردرآمد زحمتکشان روز مزد.

عسلویه. درده هفتاد شمسی میدان گازی وسیعی در این روستای ناشناس و محروم عسلویه در استان بوشهر کشف گردید. کشف میدان گازی باعث شد تا این روستای محروم به یکی از قطب های اقتصادی و اشتغال مهم تبدیل شود و شرکت های ایرانی و خارجی برای غارت منابع طبیعی مردم ایران عازم این منطقه شدند تا برثروت های انبوه خود بیافزایند.

سیل عظیم کارگران جویای کار از سراسر ایران برای تامین معیشت عازم عسلویه شدند تا بخت خود را برای یافتن کار دائم و برخوردار از مزایای آن بیازمایند.

کارگران کارسخت در گرمای توانفرسای 50 درجه را تحمل میکردند تا خانواده های نگران و منتظر نانی بر سفره داشته باشند، شبها نیز خسته و کوفته بآنتی رنجور و دور از خانواده به خوابگاه های محقر خود پناه میبردند اما تا صبح با جانورانی مانند موش، سوسک و عقرب درگیر بودند. این کارگران که اغلب روز مزد بودند از بیمه و سایر قوانین حمایتی کار که به کارگران رسمی تعلق می گرفت، محروم بودند.

آنها که مانند بردگان مورد استثمار قرار میگرفتند اکنون در این شرایط بدون دریافت حقوق بیکاری و بدون پس انداز زندگی فلاکت باری را میگذرانند و شرمنده خانواده های خود هستند حتی امکان بازگشت به همان کار در گرمای طاقت فرسا را که بتوانند با مزدی که می گیرند هزینه زندگی خانواده هایشان را تامین کنند ندارند. بله، متأسفانه این شرایطی است که حکومت اسلامی غارتگر و خودکامه برای صدها هزار انسان زحمتکش پدید آورده است.

عده زیادی از کارگران ساختمانی درده های 70 و 80 که ساختمان سازی در تهران و شهرهای بزرگ رونق گرفته بود از روستائیان و بیکاران شهر نشین به کار ساختمان سازی روی آوردند.

شرکتهائی پیمانکاری بعنوان واسطه کارگران را برای کار در شرکت های ساختمانی سازی استخدام میکردند. کارگران هرچند در این شرکتها دستمزد ثابت داشتند اما اکثراً بیمه نبودند و از میان یک میلیون کارگر



ساختمانی فقط 3 درصد بیمه بودند. در وضعیت بحرانی کنونی بعلت رکود حاکم بر بخش ساخت و ساز تخمین زده میشود که نیم میلیون کارگر ساختمانی بیکار شده اند. در سال گذشته 350 کارگر ساختمانی درحین کار دچار سانحه وکشته شدند. اما به خانواده های آنان نه خسارتی پرداخت شد و نه تحت پوشش تامین اجتماعی برای دادن مستمری قرار گرفتند.

کارگران کوره پزخانه ها، یکی از طاقف فرسایترین کارهای کارگران غیر صنعتی را در کوره های آجریزی انجام می دهند و جزء کارگران ساختمانی به حساب می آیند. این گروه با وجود کار شاقی که در میان خاک و آتش در حاشیه شهرها به همراه اعضای خانواده هایشان انجام می دهند اکثرا مانند بیشتر کارگران ساختمانی هم حقوق ناچیزی می گیرند و هم فاقد بیمه و دیگر حمایت های حداقلی قانونی هستند. اینها نیز اکنون بیکا و بی مزد به حال خود رها شده اند، وضعیت بسیار سختی را دارند از سر می گذرانند. در واقع این زحمتکشان باید تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته باشند تا هنگام بیکاری، جنگ و بیماری و پیری تحت مراقبت و حمایت قرار بگیرند، رها کردن این کارگران به حال خود نهایت بی مسئولیتی حکومت را می رساند.

قشرهای دیگری از هموطنان تهیدست و کم درآمد مانند دستفروشان، نوازندگان خیابانی، سازندگان صنایع دستی فال فروشها، فروشندگان دوره گرد نیز دراین شرایط با توجه به تورم وگرانی و کساد بازار و مشتری، فروش کمتری دارند که حداقل نیازهای اولیه زندگی شان را تامین نمی کند. در ایران امروز مردم می گویند تنها کالای کم ارزش کلیه است که عرضه آن زیاد و متقاضی اش کم است.

اول ماه گرمی باد

مصطفی کمالی



کارگران و دیگر زحمتکشان در میان تورم ، بیکاری-نا امنی شغلی-واخراج -سرکوب و شرایط جنگی.

---لب ها خشکیده

دستان پینه بسته خالق

خالی تر از سفره های نان،

زخم هایی که دهان باز کرده

فریاد میزنند-----.

اول ماه مه ، روز جهانی کارگر در جهان نمادی از مبارزه تاریخی کارگران وزحمتکشان برای عدالت ، دستمزد های عادلانه تر، ایجاد شرایط ایمن کار ، حمایت از تشکل های کارگران . بزرگداشت تلاش شجاعانه زحمتکشان در جهت عدالت و برابری و ضد استثمار است.

اما در ایران.

نه روز جشن ، بلکه روز یاد اوری واقعیت های تلخ شرایط زندگی در تعلیق و سقوط است.

کارگران وزحمتکشان وجامعه ایران در تلاقی بین سه بحران، اقتصادی-سیاسی و بحران جنگ قرار گرفته . بحران هایی بدون راهکاری از طرف حاکمیتی که خود عامل اصلی بوجود آمدن آن هست. حاکمیتی که بعداز جنگ به

تسلط کامل نظامی-مافیایی تندرو ترین بخش آن بر جان

مردم چنبر زده است.

مشکلات اقتصادی:

۱-دستمزد کارگران، شرایط تورم و بحران(حتی قبل از خیزش بزرگ دی ماه که با کشتار هزاران نفر بدست حکومت جنایتکار سرکوب شد)



قابل تحمل که هیچ حتی به مرز بقا برای مردم رسیده بود و اکنون بعد از دو مرحله جنگ که به ویرانی زیر ساخت ها- کارخانجات بزرگ از جمله فولاد و دیگر کارخانجات منجر شد. عملاً جامعه ایران را روبه فروپاشی کامل نزدیک کرده است. سال ۱۴۰۵ حداقل دستمزد حدوداً با افزایش ۶۰ درصدی و حتی با احتساب سایر مزایا دریافتی نهایی یک کارگر در ازای ۴۴ ساعت کار در هفته، ۲۰ میلیون تومان می باشد. که اگر با سبب معیشت خانوار ۳ نفره سنجدیده شود کمتر از نصف آنرا تامین میکند. عمق فاجعه و ستم آنجا مشخص می شود که با شرایط جنگی، تورم طبق گفته ارگان های حکومت از ۱۸۰ درصد گذشته است. و عملاً اقتصاد خانواده ها فروپاشیده و عملاً فقر و گرسنگی بر جامعه تحمیل شده است.

تحمیل شرایط جنگی و کشتار و سرکوب اعمال شده از طرف حکومت عملاً جامعه را فلج کرده و زمینه های کار و تولید، داد و ستد نابود شده است. بسیاری از اقلام مورد نیاز در بازار وجود دارد. اما مردم دیگر نه قدرت و نه پولی برای خرید دارند.

تورم افسارگسیخته، قبل از جنگ (تجاوزگرانه آمریکا و اسرائیل) خود زمینه خیزش بزرگ دی ماه شد. رشد تورم روزمره ناقوس مرگ خانواده های فقیر و کم درآمد را بصدا در آورده، و تا جایی که اقتصاد دانان ناتوان از سنجش آن هستند.

تاخیر دستمزدها-عدم پرداخت چند ماهه عملابه نوعی سرکوب و خفه کردن هر نوع حرکت اعتراضی و همزمان به نوعی برده داری حاکم بر محیط کار تبدیل شده. در حالیکه هزینه های واقعی زندگی بیش از پیش و حتی لحظه ای افزایش می یابد، حاکمیت و سرمایه داران حامی آن با در دست داشتن انواع ابزار سرکوب به غارت ته مانده های سفره کارگران و زحمتکشانشان همچنان ادامه می دهند، و بر طبل جنگ افزوری و ادامه جنگ ادامه می دهند. اگر برای حکومتیان جنگ نعمت است، اما برای زحمتکشانشان و جامعه و کشور ایران جنگ باعث ویرانی و گسترش فقر و عامل فاجعه انسانی و کشوری است. زندگی که حتی در حد بقا بود را هم نابود می کند نتیجه روشن است: دستمزدها نه زیر خط فقر بلکه در حد بقا قرار گرفته.

افزایش نرخ تورم و تاثیر شرایط جنگی-افزایش کسری بودجه عملابه تضعیف تولید- تعطیلی ساخت و سازها- بی ثباتی بازار ارز و اقتصاد کشور را به بن بست کشانده و می رود تا به فروپاشی کامل اقتصاد کشور منجر

شود. پیش بینی اقتصاد دانان "دنای اقتصاد" تورم در صورت ادامه جنگ رشد نرخ تورم بسیار بالا و به سه رقمی خواهد رسید، (تا حد ۱۸۰ درصد). هزینه این همه نابرابری و تورم طبق روال از جیب زحمتکشانشان و مزدبگیران و دیگر مالیات دهندگان تامین می شود. تحمیل هزینه های سرسام آور جنگی، گروه های مافیایی غارتگر، جامعه و محیط زیست ایران را به مرحله فروپاشی رسانده است. در این میان قطع اینترنت در طی ۴۵ روز قطعی مداوم بیش از دو میلیون شغل آنلاین را نابود کرده و هزاران خانواده را با بیکاری و نابودی کشانده. افزایش قیمت مواد غذایی، سوخت، دارو، و خدمات، عملاً زندگی روزمره را فلج کرده است، بسیاری از خانواده ها برای تامین حداقل هامجبور به فروش دارایی های شخصی شده اند. در چنین وضعی که حداقل در سه ماهه اخیر ادامه داشته کارگران نه دیگر پس اندازی ندارند، بلکه حتی دستمزد آنها کفایت یک سوم هزینه های خانوار را نمی تواند تامین کند. هر روز برای زنده ماندن می جنگند.

قرار داد های موقت و پیمانکاری (بی ثباتی بعنوان قاعده) یکی از مهم ترین ویژگی های

# جنگ کارگری

گروه کار کارگری

حزب چپ ایران



Iranian Workers Analects – No:372

شماره ۳۷۲

جمعه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۵، برابر ۱مه ۲۰۲۶

بازار کار ایران که از بدو روی کار آمدن این رژیم شکل گرفت و تا کنون بعنوان ابزاربکار رفته ، تسلط قرارداد های موقت و پیمانکاری بر بازار کار و تولید بوده وهست. اصل بر امنیتی دیدن جامعه کارگری و تولید ، و سرکوب و پراکنده ساختن و ناتوان سازی کارگران و زحمتکشانشان در بدست آوردن مطالبات قانونی و عدالت محور بوده. در کنار سرکوب خشن

و دستگیری های فعالان کارگری، معلمان ، پرستاران و دیگر مزد بگیران مکمل قرارداد های موقت می باشد.. طبق آمار رسمی حدودا ۹۰ درصد کارگران با قرارداد موقت و تحت پیمانکاری مشغول کارند. این یعنی

--اخراج آسان.

--نبود امنیت شغلی.

--ناتوانی در بدست آوردن مطالبات حقوقی و قانونی.

--اتمیزه کردن انسان ها .

--تضعیف جامعه

کارگر موقت ، همیشه در آستانه حذف قرار دارد ، او نه آینده دارد و نه امکان اعتراض

--محیط کار( هر کارگاه یک میدان جنگ)

واقعیت تکان دهند: بیش از ۲۰۰۰ هزار کارگر در یک سال بر اثر حوادث کار جان باخته اند. یعنی هر یک روز بین ۴ یا ۵ نفر کارگر کشته می شود. آمار دقیقی از زخمی و ناقص شدن واز کار افتادگی حوادث کار در دسترس نیست.

هر کارگاه شبیه یک میدان جنگ است. در طی حداقل ۴۰ سال حاکمیت تنها به مصرف کردن تمام سرمایه های تولید و منابع و معادن کشور پرداخته. فرسودگی ابزار تولید که ثمره اقتصاد نظامی مافیایی و تسلط سرمایه داران مالی دلالی بر کشور است. نابودی استاندارد ها تولید، نبود ایمنی- نبود نظارت بر محیط کار و بازار کار-فساد ساختاری-نگرش امنیتی بر محیط کار ، در این چنین شرایطی، کار نه فقط استثمار بلکه شرایط تهدیدی مداوم برای جان کارگران و زحمتکشانشان و دیگر مزد بگیران است.

در شرایطی به روز کارگر (اول ماه مه) نزدیک می شویم که هنوز نمایندگان و فعالان کارگری -معلمان- بازنشستگان- دانشجویان- و هزاران نفر مبارزان جنبش دی ماه در زندان ها و تحت تعقیب و دستگیری قرار دارند. تشکیل سندیکا های مستقل عملا ممنوع واز موارد امنیتی است. اعتراضات کارگری با بازداشت و شکنجه و پیرونده سازی و و اخراج از کار پاسخ داده می شود. حتی اعتراض برای دستمزدهای معوقه و مطالبات صنفی حداقلی به اتهام امنیتی تبدیل می شود. و مهم اینکه در چهار ماه گذشته تا قبل از تسلط شرایط جنگی ما شاهد دست کم ۴۴ اعتراض کارگری و مطالباتی در ۲۶ شهر ثبت شده است. این یعنی جامعه کارگری در عین فشارهای امنیتی همچنان در حالت انفجار است.

# جنگ کارگری

گروه کار کارگری

حزب چپ ایران



Iranian Workers Analects – No:372

شماره ۳۷۲

جمعه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۵، برابر ۱ مه ۲۰۲۶

--بیکاری=فقر و گسترش اقتصاد غیر رسمی.

حدود یک سوم از کارگران در اقتصاد غیر رسمی کار می‌کنند و بسیاری فاقد بیمه و حمایت اجتماعی هستند.

تا قبل از جنگ تجاوزگرانه آمریکا و اسرائیل که برای رژیم اسلامی نعمت است. بر اساس آمارهای

رسمی در اواخر ۲۰۲۵ و اوایل ۲۰۲۶ بیش از ۴۰ درصد جمعیت ایران زیر خط فقر مطلق و نزدیک ۷ دهک زیر خطر فقر نسبی زندگی می‌کنند. جمعیت زیر خطر فقر مطلق از ۱۶ میلیون نفر به ۳۴ میلیون نفر افزایش یافته و نرخ فقر حدودا تا ۴۵ درصد گزارش شده. این آمارها نشان دهنده سقوط طبقه متوسط و کاهش شدید تاب آوری اقتصادی مردم در سالهای اخیر است. واگر تاثیرات مخرب جنگ بر بازار کار را اضافه کنیم عمق فاجعه را بیشتر می‌توان دید و در این شرایط جنگی همزمان روبه افزایش است.

--تعطیلی واحدهای تولیدی. بخصوص بمباران و نابودی صنایع بزرگ و زیر بنایی (تنها زیر مجموعه فولاد حدودا بیش از ۱۳۰۰۰ هزار کارگر در بر میگیرد).

--کارگران روزمرد-ساختمانی-فصلی-کشاورزی در پی آمد جنگ به خیل بیکاران اضافه شده اند.

جنگ!

باعث تشدید همه بحرانها! جنگ فقط در مرز های نیست، بدرون زندگی مردم نفوذ می‌کند.

--کمبود دارو و مواد غذایی -قطع اینترنت و نابودی مشاغل آنلاین --تعطیلی واحد های تولیدی کوچک و بزرگ و بیماری گسترده.

کارگران ایرانی امروز نه فقط با کارفرما بلکه با جنگ و تحریم و فروپاشی اقتصادی همزمان روبرو هستند.

چهره واقعی!

کارگران فقط در کارخانه ها نیستند. رانندگان-دست فروشان -کارگران فصلی. و کارگران پروژه ای !!

همه در یک نقطه اشتراک دارند ، بی ثباتی-بی حقوقی- و ناپایداری. اول ماه مه افشای یک واقعیت!!!

در ایران امروز کارگر ارزان، جان کارگر ارزان تر. و صدای کارگر سرکوب شده. اما در دل همین شرایط اعتراضات ادامه دارد. اعتصابات شکل می گیرد و امکان پیوند جنبش ها وجود دارد.

اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) در ایران نه فقط یاد آور رنج و ستم بلکه یاد آور واقعیتی است =

کارگران و زحمتکشانشان تنها با داشتن تشکل ها و انسجام به خواسته ها مطالبات خود دست می یابند .

صلح- نان-آزادی----



## برخورداری از بیمه و تامین اجتماعی حق همه ی کارگران است! زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران!

گرامی باد اول ماه مه ،روز همبستگی زحمتکشان و کارگران



مراسم روز کارگر با چاشنی مخالفت با «جنگ» و «ریاضت اقتصادی»  
گزارش الجزیره:

راهپیمایی‌های روز کارگر در حالی برگزار شد که جنگ علیه ایران و خاورمیانه و افزایش قیمت انرژی، اقتصاد جهانی را تهدید می‌کند.

به گزارش ایلنا و به نقل از خبرگزاری الجزیره، این رسانه قطری در گزارشی از مراسم‌ها و راهپیمایی‌های روز کارگر، به حواشی این روز پرداخته است .

در بخشی از این گزارش آمده است: راهپیمایی‌های روز کارگر در حالی برگزار شد که جنگ علیه ایران و خاورمیانه و افزایش قیمت انرژی، اقتصاد جهانی را تهدید می‌کند .

# جنگ کارگری

گروه کارگری

حزب چپ ایران



Iranian Workers Analects – No:372

شماره ۳۷۲

جمعه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۵، برابر ۱۴ مه ۲۰۲۶

کارگران در شهرهای مختلف جهان برای بزرگداشت روز جهانی کارگر تجمع می‌کنند و برخی از تظاهرات‌ها، مانند راهپیمایی کارگران و بازنشستگان در استانبول ترکیه، به درگیری با پلیس منجر شد.

اتحادیه‌های کارگری جهان در همه کشورها خواستار همبستگی و حمایت از حقوق کارگران شدند، زیرا جنگ ایالات متحده آمریکا و اسرائیل علیه ایران و افزایش هزینه‌های انرژی نگرانی‌هایی را در مورد اقتصاد جهانی ایجاد کرده است.

کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری اروپا، که نماینده ۹۳ سازمان و اتحادیه کارگری در ۴۱ کشور اروپایی است، به رسانه‌ها اعلام کرده است: «کارگران از پرداخت هزینه جنگ دونالد ترامپ در خاورمیانه خودداری می‌کنند. تجمعات امروز نشان می‌دهد که کارگران دست روی دست نخواهند گذاشت و شاهد نابودی شغل و استانداردهای زندگی خود نخواهند بود.»

جوسوا مانا، رهبر گروه فراگیر صنعتی SENTRO از گروه‌های کارگری در فیلیپین، گفت: «هر کارگر فیلیپینی اکنون آگاه است که وضعیت اینجا عمیقاً با بحران جهانی مرتبط است.»

سعید اقبال، رئیس کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری اندونزی نیز به خبرنگاران گفت: «کارگران ما همین الان هم با حقوق ناچیزی زندگی می‌کنند.»

برخی از بزرگترین تظاهرات‌ها در آمریکای جنوبی، از جمله در شیلی، بولیوی و ونزوئلا برگزار شده است. در آرژانتین، کارگران خشمگین از دولت راست افراطی خاویر میلی که به قیمت تضعیف شدید رفاه کارگران و بازنشستگان و کارمندان، کسری بودجه خود را جبران کرده، روز جمعه در بوئنوس آیرس، پایتخت این کشور، علیه اصلاحات ضدکارگری اخیر رئیس جمهور، مجدداً اعتراض کرده و با پلیس درگیر شدند.

در کوبا، با فراخوان وزارت امور خارجه روز پنجشنبه در اعتراض به آنچه «تجاوزها، تهدیدها، تشدید محاصره و محاصره انرژی» ایالات متحده نامیده‌اند، تجمعی گسترده با حضور کارگران برگزار شد.

در بسیاری از کشورها، تجمعات روز کارگر جمعیت زیادی را به خود جذب می‌کند زیرا اول ماه تعطیل رسمی است. در شهر استانبول ترکیه، جاده‌های اطراف میدان تقسیم بسته شد تا راه برای راهپیمایی در طول روز باز شود. رسانه‌های بین‌المللی گزارش دادند که اواخر روز جمعه، تظاهرکنندگان با پلیس درگیر شدند.

در فرانسه، جایی که اکثر مردم به مناسبت روز کارگر تعطیل هستند، اتحادیه‌های کارگری با شعار «نان، صلح و آزادی» اعتراضاتی علیه جنگ طلبی دولت‌ها و در دفاع از مقاومت علیه ریاضت اقتصادی در پاریس و سایر شهرها انجام دادند. این درحالی است که ترس از رکود اقتصاد جهانی در حالی بر تجمعات روز کارگر سایه افکنده است که نابرابری درآمدی در حال افزایش است.

در غزه، کارگران فلسطینی به دلیل بحران اقتصادی ناشی از جنگ نسل‌کشی اسرائیل علیه غزه و شرایط بد در محل، رویدادهای روز کارگر را لغو کرده‌اند. فدراسیون عمومی اتحادیه‌های کارگری فلسطین اعلام کرد که حدود ۵۵۰ هزار کارگر در سراسر غزه و کرانه باختری هیچ درآمدی ندارند و این وضعیت بی‌سابقه است.



کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری «ITUC» گزارش داده است که حداقل چهار مدیرعامل شرکت‌های بزرگ سال گذشته بیش از ۱۰۰ میلیون دلار حقوق و پاداش به جیب زده‌اند، در حالی که بسیاری از کارگران با احتمال تعدیل نیرو مواجه هستند.

ائتلاف‌های حقوق کارگران خواستار اقدام فوری برای مهار ثروت هنگفت هستند. آن‌ها از دولت‌ها می‌خواهند که مالیات‌های بالاتر و عادلانه‌تری را بر ثروتمندترین افراد وضع کنند و حقوق‌های گزاف مدیران را محدود کنند.

در حالی که روز کارگر در ایالات متحده، زمانی که کارگران در دهه ۱۸۸۰ برای هشت ساعت کار روزانه اعتراض کردند، آغاز شد، ایالات متحده روز کارگر را به عنوان یک تعطیل عمومی به حساب نمی‌آورد.

با این حال، یک گروه فراگیر از فعالان و گروه‌های کارگری معروف به «نیروی روز کارگر» خواستار اعتراضاتی با شعار «کارگران بر میلیاردرها پیروزند» شده‌اند. صدها تظاهرات و راهپیمایی در سراسر ایالات متحده برنامه‌ریزی شده است.



روز معلم در سایه سرکوب، جنگ و تاریخ زخم‌خورده

روز معلم امسال در حالی فرا رسید که جامعه آموزشی ایران یکی از تلخ‌ترین و سرکوب‌شده‌ترین دوره‌های خود را پشت سر گذاشته است؛ سالی آکنده از کشتار، بازداشت، سرکوب و فقدان، از دست دادن همکاران و دانش‌آموزانی که برخی در اعتراضات مردمی به دست حاکمیت و برخی در سایه جنگ و مداخلات قدرت‌های خارجی جان باختند و جای‌شان برای همیشه در کلاس‌های درس خالی ماند.

در این میان، معلمان بسیاری به‌جای ایستادن در برابر تخته، با احضار، بازجویی، زندان و فشارهای امنیتی روبه‌رو شده‌اند. دانش‌آموزانی که باید در امنیت می‌آموختند، هم در سرکوب‌های خیابانی، و هم در سایه جنگ و موشک‌باران، جان خود را از دست دادند؛ از جمله در فاجعه‌ی مدرسه ابتدایی [#میناب](#) که در پی حملات نظامی آمریکا، بار دیگر نشان داد چگونه زندگی و آینده‌ی کودکان، قربانی کشمکش‌های قدرت می‌شود.

کلاس‌های [#بی‌معلم](#)، [#صندلی‌های خالی](#) و [#کوله‌پشتی‌های رهاشده](#)، [#قبرهای بی‌بیکر](#)، همه ردهایی زنده از خشونت بر نسلی است که حق زیستن و آموختن‌شان، هم‌زمان هدف گرفته شد. در کنار این فقدان‌ها، معلمانی نیز کشته شدند.



از سوی دیگر می‌دانیم دیربست که آموزش از یک حق عمومی به یک امتیاز طبقاتی تبدیل شده است و تراژدی‌های یکسال اخیر این روند تباهی را ویرانگرتر کرده است. با وجود این همه رنج، آموزش هنوز ایستاده است؛ کلاس‌هایی که اگرچه خالی‌تر شده‌اند و مدارسی که بیرحمانه طبقاتی‌تر شده‌اند، اما با امید و مقاومت نفس می‌کشند. صدای معلمانی که خاموش نشده و در دفاع از کرامت انسانی و عدالت‌طلبان‌اند است و همچنان بر حق آموزش برابر، رایگان و انسانی پای فشرده‌اند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، ضمن گرامی‌داشت روز معلم، این روز را به همه معلمان آزاده تبریک می‌گوید؛ آنان که در دل تاریکی، چراغ آگاهی، برابری و رهایی را روشن نگه داشته‌اند. حال که ما تاریک‌ترین روزهای تاریخ صد سال گذشته خود را سپری می‌کنیم، و حال که امید به آینده را از هر جانب تازیانه می‌زنند، وظیفه‌ی معلمین راستین نگاه داشتن ایمان به آینده‌های آزاد و عادلانه است. روز معلم روز تجدید پیمان به آینده‌های روشن و مبارزه برای رسیدن به آن است.



از جمله آثار ابوالقاسم لاهوتی ترجمه [بخشهایی از] شاهنامه به زبان روسی است که با همراهی همسرش سیمینا نابو انجام داد. برگردان فارسی سرود انترناسیونال سر از او به یادگار مانده است. همنشین بهار

## همنشین بهار: یادى از ابوالقاسم لاهوتى (الهامى)

شاعر و روزنامه‌نگار ایرانی ابوالقاسم لاهوتی (۱۲۶۴- ۱۳۳۵)، فعالیت خود را از دوران انقلاب مشروطه آغاز کرد و سپس در دهه ۱۹۲۰ میلادی به عضویت حزب کمونیست ایران درآمد. او در دوران رضاشاه تحت تعقیب بود و غیباً محکوم به اعدام شد، اما به شوروی گریخت. از پیشاهنگان مبارزات کارگری علیه استبداد بود و رهبری «شورش لاهوتی‌خان» در تبریز را هم به عهده داشت. تکیه کلامش این بود: «زندگی آزادی انسان و استقلال اوست، بهر آزادی جدل کن! بندگی در کار نیست. نخستین اشعار وی در روزنامه حبل‌المتین به چاپ رسید. او که در کرمانشاه روزنامه بیستون را منتشر می‌کرد حزب فرقه کارگر را در همان شهر بنیان‌گذاری کرد.

زمستان ۱۳۰۰، وقتی سرکوب اسماعیل سیمیتقو، نتیجه نداد، ناخرسندی افسران از ادغام ژاندارمری و نیروهای قزاق، سبب شد تا شماری از افسران ژاندارم، به رهبری ابوالقاسم لاهوتی، که آنزمان یاور (سرگرد) در شرفخانه بود، به فکر شورش بیافتند. کودتای این افسران، با بازداشت سرگرد محمود پولادین و دستگیری حاکم شرفخانه، آغاز شد و نیروی ژاندارم کنترل اکثر نقاط شهر را به دست گرفت.

# جنگ کارگری

گروه کارگزاری

حزب چپ ایران



Iranian Workers Analects – No:372

شماره ۳۷۲

جمعه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۵، برابر ۱۴ مه ۲۰۲۶

وقتی خبر شورش ابوالقاسم لاهوتی به تهران رسید، وزیر جنگ (رضاخان)، دستور سرکوب شورشیان را داد. ۱۹ بهمن ۱۳۰۰ نیروهای ژاندارمری اردبیل بر تبریز مسلط شدند و ابوالقاسم لاهوتی، همراه با چند تن دیگر از همراهانش، به شوروی گریختند. لاهوتی مدتی را در قفقاز و مسکو به سر برد و در سال ۱۹۲۵ به تاجیکستان رفت و وزیر فرهنگ و هنر شد و در آن کشور تئاتر و اپرا را پایه‌گذاری کرد. لاهوتی سال ۱۹۴۶ دیوان اشعارش را چاپ کرد. بعدها به مسکو رفت و ۱۰ سال بعد درگذشت. مزار او در گورستان نووودویچی Novodevichye кладбище در نزدیکی یک صومعه در مسکو است و من آن را دیده‌ام. آنتون چخوف، سرگئی آیزنشتاین، نیکولای گوگول، ماکارنکو، استانیسلاوسکی، مایاکوفسکی، ناظم حکمت... و خیلی‌های دیگر هم آنجا به خاک سپرده شده‌اند.

از جمله آثار ابوالقاسم لاهوتی ترجمه [بخشهایی از] شاهنامه به زبان روسی است که با همراهی همسرش سیسیلیا بانو انجام داد. لیلا دختر لاهوتی گفته‌است: «توصیف و نقل آزمون‌های سختی که ترجمه‌ی شاهنامه پشت سر گذاشته، خود نیازمند نوشتن یک حماسه‌ی جدید است»

لاهوتی گاه و بیگاه می‌گفت:

رفیقان اگر چه نه من طوسی‌ام -

ابوالقاسم اولاد فردوسی‌ام

سرود ملی تاجیکستان، ترانه کمرباریک (یار تاجیک)، اپرای کاوه آهنگر، قصیده کرملین، تاج و بیرق، و مجله دو زبانه «پارس»، (به فارسی و فرانسوی)، از ابوالقاسم لاهوتی به یادگار مانده‌است. همچنین مجموعه اشعار و برگردان فارسی سرود انترناسیونال.

از صدرالدین عینی (ادیب زبان فارسی تاجیکی) نقل شده که به همت ابوالقاسم لاهوتی (الهامی)، اولین ماشین چاپ به تاجیکستان راه یافت.

غزل زیبای لاهوتی «تنیده یاد تو در تاروپودم میهن ای میهن» مرا به خاطره‌های دور و زندان پیش از انقلاب می‌برد وقتی بیژن جزنی، کاظم ذوالانوار و... ۷ زندانی دیگر را در تپه‌های اوین کشته بودند.

من آنزمان در بند «یک‌وهفت و هشت» زندان قصر بودم. یادم هست زمزمه می‌کردم و بدون آنکه اشکم جاری شود می‌گریستم...

تنیده یاد تو، در تار و پودم، میهن، ای میهن!

بُود لب‌ریز از عشقت، وجودم، میهن، ای میهن!

# جنگ کارگری

گروه کار کارگری

حزب چپ ایران



Iranian Workers Analects – No:372

شماره ۳۷۲

جمعه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۵، برابر ۱ مه ۲۰۲۶

تو بودم کردی از نابودی و با مهر پروردی،  
فدای نام تو، بود و نبودم، میهن، ای میهن!  
به هر مجلس، به هر زندان، به هر شادی، به هر ماتم،  
به هر حالت که بودم با تو بودم، میهن، ای میهن....  
غزلی که احمد ظاهر و محمدرضا شجریان و... هم خوانده‌اند



بیانیه WFTU به مناسبت روز جهانی کارگر

WFTU در بیانیه روز کارگر خود بر ضرورت مطالبه توقف جنگ و دفاع از صلح طلبی تاکید کرد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، بیانیه فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری (WFTU) به مناسبت روز جهانی کارگر (روز یک می) ۲۰۲۶ میلادی با پرداختن به موضوع کارگران ایران و جنگ اخیر، صادر شد.

در این بیانیه آمده است:

جنبش بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری و کارگران و اتحادیه‌های صنفی مبارز سراسر جهان، با فعالیت‌های خود در روز کارگر، یکصد و چهل‌مین سالگرد مبارزه خونین کارگران شیکاگو در سال ۱۸۸۶ را گرامی می‌دارند. آنها روز اول ماه می (یازدهم اردیبهشت) را به عنوان نماد مبارزه بی‌امان علیه سرمایه‌داری، اراده و همبستگی بین‌المللی کارگران پاس می‌دارند.

به مناسبت روز جهانی کارگر، فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری (WFTU)، که قدیمی‌ترین شکل بین‌المللی اتحادیه‌ای و نماینده بیش از ۱۰۵ میلیون کارگر در سراسر جهان است، پیامی گرم به همه کارگران و کشاورزان و مردم عادی زحمتکش ابلاغ می‌کند.

پیام‌ها و خواسته‌های پیشگامان کارگری شیکاگو در سال ۱۸۸۶ همچنان امروز نیز مطرح و ضروری هستند. بحران سرمایه‌داری عمیق‌تر و فراگیرتر می‌شود. نابرابری‌های اجتماعی به طرز چشمگیری در حال افزایش است. آزادی‌های دموکراتیک و حقوق اتحادیه‌های کارگری در سراسر جهان تحت حمله قرار دارند، در حالی که جنگ‌ها و مداخلات امپریالیستی در دستور کار قرار دارند.

# جنگ کارگری

گروه کارگری

حزب چپ ایران



Iranian Workers Analects – No:372

شماره ۳۷۲

جمعه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۵، برابر ۲۰۲۶م

تحولات بین‌المللی تأیید می‌کنند که تضادهای ژئوپلیتیکی و جهانی و تهدیدات اتمی همچنان صلح و امنیت جهانی را مستقیماً تهدید می‌کنند. جنگ‌های امپریالیستی، مداخلات، تحریم‌ها و محاصره‌ها ادامه یافته و تشدید می‌شوند.

نسل‌کشی فلسطینیان در غزه و وحشیگری بی‌سابقه رژیم اسرائیل، حمله ناجوانمردانه و قاتلانہ آمریکا و اسرائیل به ایران، حمله به ونزوئلا و ربودن رئیس‌جمهور قانونی این کشور، تهدیدات تروریستی علیه کوبا و تلاش برای خفه کردن اقتصاد و مردم این کشور از طریق تحریم جنایتکارانه انرژی، بار دیگر تمام ابعاد ریاکاری، حيله‌گری و طبیعت ضدبشری امپریالیسم را افشا کرده است.

هزینه‌های نظامی به طور انفجاری در حال افزایش است، در حالی که سازمان‌هایی مانند ناتو و اتحادیه اروپا نظامی‌گری را تشدید کرده و اقتصاد جنگی را به عنوان «راه‌حلی برای توسعه» ترویج می‌کنند. در عین حال، از مردم خواسته می‌شود تا هزینه این سیاست‌ها را از طریق اقدامات ریاضتی جدید، خصوصی‌سازی‌ها و از بین بردن دستاوردهای اجتماعی بپردازند.

در همین حال، بحران انرژی، تورم و گرانی به فرسایش درآمد کارگران ادامه می‌دهد. دستمزدها راکد مانده‌اند، در حالی که سود شرکت‌های فراملی و غول‌های انرژی سر به فلک می‌کشد.

پیامدهای این وضعیت، آسیب‌پذیرترین لایه‌های طبقه کارگر را حتی سخت‌تر تحت تأثیر قرار می‌دهد. زنان کارگر، جوانان و مهاجران با استثمار شدیدتر، دستمزدهای پایین‌تر، ناامنی شغلی بیشتر و دسترسی محدودتر به بهداشت، آموزش و فرهنگ روبرو هستند. آنها اولین قربانیان سیاست‌های ضدکارگری و کاهش مقررات کار هستند، که آنها را به ویژه در برابر حملات سرمایه آسیب‌پذیر می‌کند.

در عین حال، سلامت و ایمنی در محیط کار به طور سیستماتیک در حال تخریب است. اقدامات حفاظتی توسط کارفرمایان به عنوان «هزینه» تلقی می‌شود که منجر به افزایش حوادث و مرگ‌ومیر در محیط کار می‌شود. هر روز، کارگران بر قربانگاه سود مجروح یا جان خود را از دست می‌دهند، که به تراژیک‌ترین شکل اولویت‌های این نظام را آشکار می‌سازد.

عصر جدید دیجیتالی‌سازی و هوش مصنوعی، به جای استفاده به نفع کارگران و کل جامعه، برای تشدید کار، نظارت بر کارگران و گسترش اشکال انعطاف‌پذیر اشتغال به کار گرفته می‌شود. ناامنی، کار موقت و بی‌ثبات و کاهش مقررات روابط کار در حال فراگیر شدن است.

همزمان، سرکوب دولتی و کارفرمایی علیه مبارزات تشدید می‌شود. اتحادیه‌ای‌ها و فعالان کارگری تحت تعقیب قرار می‌گیرند، اعتصابات جرم محسوب می‌شوند و آزادی‌های دموکراتیک محدود می‌گردد. مهاجران و پناهندگان هدف قرار می‌گیرند، به عنوان نیروی کار ارزان استفاده می‌شوند و قربانی نژادپرستی و استثمار می‌گردند.

در برابر این واقعیت، پاسخ طبقه کارگر نمی‌تواند تسلیم باشد.

ما کارگران خواستاریم:

# جنگ کارگری

گروه کارگری

حزب چپ ایران



Iranian Workers Analects – No:372

شماره ۳۷۲

جمعه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۵، برابر ۱ مه ۲۰۲۶

• افزایش دستمزد و قراردادهای کار دسته‌جمعی با حقوق کامل

• اقدامات مؤثر برای محافظت در برابر گرانی و تورم

• مراقبت‌های بهداشتی، آموزش و تأمین اجتماعی رایگان و همگانی برای همه

• کاهش ساعات کار، اشتغال دائم با ساعات کاری پایدار، حذف اشکال انعطاف‌پذیر کار و حمایت از کارگران پلتفرم‌های دیجیتال

• اقدامات ایمنی و بهداشتی در تمام محیط‌های کاری

• احترام به حقوق اتحادیه‌های کارگری و آزادی‌های دموکراتیک

• حمایت از مهاجران و حقوق برابر برای همه کارگران

کارگران هیچ نفعی از جنگ‌ها و تضادهای قدرتمداران ندارند. برعکس، آنها همه چیز را برای به دست آوردن از وحدت، همبستگی و مبارزه مشترک دارند.

WFTU از اتحادیه‌های کارگری می‌خواهد که هرگونه سازش و تسلیم را با وضعیت موجود رد کنند. مبارزات خود را تقویت کنند و مقاومت را در هر محیط کار و هر کشوری، علیه بربریت سرمایه‌داری و جنگ ادامه دهند.

به مناسبت روز می ۲۰۲۶، ما برای بسیج‌های مبارزاتی در سراسر جهان با این شعار فراخوان می‌دهیم:

زندگی‌ها و نیازهای ما یا سودهای آنها!

• هیچ فداکاری برای جنگ‌ها و سودهای سرمایه

• کار با حقوق، تنظیم‌شده توسط قراردادهای دسته‌جمعی

• تحقق نیازهای روزمره کارگران

ما باید روز کارگر امسال را به نقطه عطفی علیه جنگ طلبی و حملات سرمایه داری امپریالیستی تبدیل کنیم. همبستگی جهانی سلاح‌های طبقه کارگرند!

زنده باد روز یکم می!

زنده باد همبستگی بین‌المللی



برخورداری از بیمه و تامین اجتماعی حق همه ی کارگران است!

زنده باد همبستگی کارگران!

متحد و متشکل علیه سیاستهای شوک درمانی و ریاضت کشانه حکومت مبارزه باید کرد!

از مبارزه کارگران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد و حقوق بازنشستگی حمایت کنیم!

\* برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:

\* "جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>